

# سه پدیده در آینهٔ رمان

اسد حسن پور



\* سه پدیده در آینهٔ رمان (قرآن کریم، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس)  
\* مجتبی رحماندوست  
\* چاپ اول، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸

کتاب سه پدیده در آینهٔ رمان در ۵ فصل سامان یافته است: ۱. کلیات، ۲. بررسی گونه‌شناسانه در قصه‌های قرآن کریم، ۳. ادبیات انقلاب اسلامی، ۴. ادبیات دفاع مقدس، ۵. طرح‌های پیشنهادی. نویسنده در فصل اول به بیان مفاهیم بنیادی بحث اصلی کتاب، یعنی «ادبیات داستانی»، پرداخته است. اگرچه عنوان در فصل اصلی کتاب، یعنی «ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس»، این انتظار را در خواننده ایجاد می‌کند که ادبیات به مفهوم عام - اعم از داستانی و غیرداستانی، شعر و... - مورد نظر باشد، اما اینجا منحصرأ از ادبیات داستانی سخن گفته شده است. بیان کلیات، با بررسی این مفاهیم آغاز شده است: ادبیات چیست؟، ادب چیست، ریشهٔ آن کدام است؟، داستان و شکل‌های آن در آینهٔ ادبیات،

نثر داستانی، داستان، طبقه‌بندی داستان از نظر محتوا (۱. داستان‌های تفریحی یا تخیلی، ۲. داستان‌های تحلیلی)، ادبیات داستانی (۱. قصه، ۲. رمانس، ۳. رمان، ۴. داستان کوتاه)، انواع رمان، رمان نو، رمان پست‌مدرنیستی، اشکال فرعی داستان کوتاه (۱. داستانتک یا داستان کوتاه، ۲. داستان لطیفه‌وار، ۳. داستان مینی‌مالیستی، ۴. داستان بلند (رمان کوتاه)).

نویسنده بحث مقدمات را با «رمان» و چپستی و انواع آن ادامه داده است. انواع رمان از نظر ساخت: ۱. رمان حوادث، ۲. رمان شخصیت، ۳. نامه‌داستان، ۴. رمان اندیشه.

انواع رمان بر حسب موضوع: ۱. رمان شکل‌پذیری یا رمان تربیتی، ۲. رمان اجتماعی، ۳. رمان تاریخی، ۴. رمان محلی، ۵. رمان روانی.

در فصل دوم کتاب، با عنوان «بررسی گونه‌شناسانه در قصه‌های قرآن کریم»، نویسنده می‌کوشد برای این پرسش پاسخی بیابد که: آیا آنچه به عنوان قصه‌های قرآنی می‌شناسیم، با داستان و رمان کلاسیک و داستان امروز ربطی دارد؟ مطابقت دارد؟ ارتباطی ندارد؟ عموم و خصوص است و...؟

نویسنده خود اذعان دارد که کوشش او برای پاسخ دادن به این پرسش، قانع‌کننده نیست و راه به جایی نبرده است و بیشتر خود را در مقام تشریح‌کنندهٔ مبانی و طرح‌کنندهٔ موضوع قرار می‌دهد.

نویسنده در آغاز، مقدمات و مفروضات بحث را طرح می‌کند و تعریفی از قصه به دست می‌دهد. سپس توجه قرآن به قصه و داستان را یادآوری می‌کند و قصهٔ یوسف و زلیخارا به عنوان احسن‌القصص ذکر می‌کند. نویسنده برخی عناصر مشترک میان قصه‌های قرآن و داستان معاصر و رمان کلاسیک را این‌چنین برمی‌شمرد:

۱. شخصیت‌پردازی، ۲. تعلیق، ۳. عنصر شگفت‌انگیزی، ۴. عشق، ۵. گفت‌وگو، ۶. کشمکش (درگیری انسان با دیگران، درگیری انسان با محیط، درگیری انسان با خودش)، ۷. نما، ۸. صحنه.

نویسنده ذیل هر کدام از این عناوین، به مواردی از قصص قرآن اشاره می‌کند و آنها را به عنوان شاهی برای برقراری مشابهت با عناصر داستان معاصر و رمان کلاسیک اقامه می‌کند.

نویسنده سپس به موارد افتراق میان ساختار و بنیان قصه‌های قرآنی با داستان معاصر و رمان کلاسیک اشاره کرده است: ۱. خروج از ساختار داستان و رمان کلاسیک، ۲. صدور احکام کلی، ۳. پیام مستقیم، ۴. واقعی و مستند بودن حوادث، ۵. واقعی و مستند بودن شخصیت‌ها.

در اینجا نویسنده با طرح پرسش‌هایی، حتی از درستی داستان نامیدن قصه‌های قرآن می‌پرسد و اینکه چرا باید اصرار داشته باشیم که قصه‌های قرآنی را با تعریف داستان کلاسیک و حتی مدرن و پست‌مدرن مطابقت بدهیم؟ در فصل سوم، از ادبیات انقلاب اسلامی و نسبت آن با رمان سخن گفته شده است. نویسنده ذیل بحث کلی «ادبیات انقلاب اسلامی و بایستگی‌های آن»، سه بحث را بررسی کرده است: ۱. منابع خلق آثار ادبی، ۲. دست‌مایه، محتوا و مضامین و سوز‌های ادبیات انقلاب اسلامی، ۳. بایستگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی.

منابع خلق آثار ادبی از دیدگاه نویسنده شامل این موارد می‌شود: الف. منابع انسانی (خود نویسنده، دیگر شاهدان انقلاب)، ب. آثار مکتوب، ج. عینیت فیزیکی اماکن خاص و مهم انقلاب، د. اسناد صوتی و تصویری، ه. موزه انقلاب.

از موضوعات و مضامین ادبیات انقلاب اسلامی می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصویر فضای سیاسی و اجتماعی روزهای قبل از پیروزی انقلاب، وابستگی به ابرقدرت‌ها و دست‌نشاندهی سران در دوران شاه، درگیری‌های سال‌های ۵۶ و ۵۷، تحولات سریع سیاسی و اجتماعی اواخر رژیم شاه، روزهای مهم تاریخ انقلاب، مبارزات گروه‌های مجاهدین خلق، نقش و جایگاه زن و خانواده در دوران پیش از انقلاب، تحلیل انگیزه اقدامات مختلف افراد قبل از انقلاب و مقایسه آن با انگیزه‌های پس از انقلاب، توجه به فرصت‌طلبان و... نویسنده رعایت و لحاظ برخی موارد و قواعد را در ادبیات انقلاب اسلامی توصیه کرده است.

در ادامه بحث، بر یکی از رمان‌های جمال میرصادقی (آتش از آتش) نقدی نوشته و رمان مذکور را نقد و بررسی کرده است. دیدگاه نویسنده به رمان آتش از آتش، منفی است و آن را در کارنامه جمال میرصادقی، رمانی ضعیف دانسته است.

بقیه مباحث این فصل، طرح چند سؤال و کوشش برای یافتن پاسخی به برخی از آنهاست، پرسش‌هایی چون: چه تحولاتی پس از انقلاب در عرصه ادبیات رخ داده است؟ چه راهکارهایی برای تقویت زمینه ادبیات انقلاب و کمک به نویسندگان این عرصه می‌توان انجام داد؟ تأثیرات مثبت انقلاب اسلامی بر ادبیات چه بوده است؟ چه ظرفیت‌هایی وجود دارد که هنوز در ادبیات انقلاب اسلامی استفاده نشده است؟

و پرسش بنیادین: چرا رمان بزرگ انقلاب و جنگ خلق نشده است؟ پرسش بزرگ بی‌پاسخ فصل چهارم به ادبیات دفاع مقدس اختصاص دارد.

نویسنده در آغاز به مباحث کلی ادبیات دفاع مقدس، ادبیات داستانی جنگ، سابقه رمان مقاومت، توجه به رمان جنگ در دنیای امروز، حضور نویسندگان در جبهه و منابع و امکانات خلق ادبیات دفاع مقدس پرداخته شده است. سپس به مضامین رمان‌های ادبیات مقاومت اشاره شده است. این بخش از کتاب برای آشنایی نویسندگان و علاقه‌مندان به خلق آثار ادبی در این زمینه، بسیار راهگشاست. هر یک از موضوعات مناسب که می‌تواند دست‌مایه آفرینش داستان و رمان شود، با ذکر نمونه‌ای از رمان‌های غربی تحلیل شده است؛ مثلاً حوادث و عملیات مهم جنگ، از موضوعاتی است که می‌تواند دست‌مایه

نویسندگان باشد؛ چنان که تولستوی در جنگ و صلح حادثه بزرگ آتش‌سوزی در مسکو، و ویکتور هوگو در بینوایان جنگ‌های خیابانی پاریس را تصویر کردند، یا مورلی تورگف در رمان وارینه ابرامسکی حادثه مهم عبور از اقیانوس اطلس، و بروس لانتکستر در رمان چاقوهای بزرگ واقعه اخراج بریتانیایی‌ها از ایلینوی را به تصویر کشیدند. ذکر مضامین و موضوعات این چنینی و ذکر نمونه‌هایی از ادبیات ملل، به همین نحو ادامه می‌یابد: نفس تنگی (ویلیام مارشال)، حادثه هزار (دیوید لاولی)، مشکل قهرمانان (مارتین دیفر)، شمشیرهای بهشت (لسلی بلانچ)، طغیان در برابر خدا (فردم استوارت)، سرباز فراموش شده (کای ساجر)، شجاعان را دوست‌تر بدار (دی. آی. کینسلی)، فصلی در برنخ (توماس کینلی)، رهاوردیهای جنگ (داگلاس اسکات)، نشان سرخ شجاعت (استیون کرین)، جنگ به دژ گام می‌گذارد (فانی کراداک)، غنایم جنگ (پیتر دریسکول)، تندر خون (گراهام هارلی).

این فصل با مباحثی درباره نویسندگان رمان‌های دفاع مقدس، رمان و نقد ادامه یافته و البته لحن نویسنده در اینجا عوض شده است و از قالب یک پژوهش ادبی خارج شده و رنگی احساسی به خود گرفته است. از مباحث مهم این فصل، بحث نقد رمان جنگ است. نویسنده، به ویژگی‌های قصه‌های نگاشته شده در زمان جنگ اشاره کرده، سپس جدولی بسیار جالب از نقدهای منتشر شده بر داستان‌های دفاع مقدس توسط منتقدان تنظیم کرده است. این جدول نقدهای منتشر شده بر ۱۰۰ داستان را با ذکر نام داستان، نویسنده داستان، سال انتشار داستان، نام منتقد، سال انتشار نقد و فاصله نشر داستان تا نشر نقد (و چند مشخصه دیگر) آورده است. سپس بر مبنای اطلاعات موجود در جدول، در ۱۳ نمودار مختلف، به صورت بسیار گویا و روشن، تحلیلی آماری عرضه کرده و بر مبنای این نمودارها، درباره جنس نقدهای انجام شده بر داستان‌ها قضاوت و داوری شده است. نویسنده در خلال این تحلیل آماری، از نقدهای مخرب و غرض‌آلود برخی منتقدان و اثبات خویش به قیمت انکار همه‌کس، انتقاد کرده است.

فصل پنجم کتاب با عنوان «طرح‌های پیشنهادی»، با توجه به عنوان کتاب، با موضوع اصلی کتاب هماهنگ و هم‌سنخ نیست. این بخش شامل این عناوین است: علل رکود داستان‌نویسی، طرح تأسیس مرکز ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، طرح کارشناسی ارشد ادبیات داستانی با گرایش ادبیات فارسی، فرمایش‌های مقام معظم رهبری درباره داستان‌نویسی. در انتها نیز فهرست آیات و منابع و مأخذ کتاب آمده است.

\*\*\*

کتاب سه پدیده در آینه رمان (قرآن کریم، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس)، نوشته مجتبی رحماندوست، به رغم همه کاستی‌های آن، برای علاقه‌مندان به موضوع ادبیات معاصر و به‌ویژه ادبیات انقلاب و ادبیات دفاع مقدس، خصوصاً در شاخه ادبیات داستانی، مفید است. هر چند طرح مباحث در برخی از بخش‌های کتاب، غیرمنسجم و نامرتب است و ارتباط منطقی بین مباحث کتاب به طور کامل برقرار نیست، نویسنده در برخی جاها از بحثی به بحث دیگر گریز می‌زند و گاهی لحن نویسنده، در مقام پژوهشگر، با موضوع سخن همگون نیست و تبدیل به لحنی احساسی و حماسی می‌شود؛ گاهی با خطاب مستقیم به یک قشر - مثلاً نویسندگان داستان دفاع مقدس - آنها را نصیحت‌پدرانه می‌کند و کاستی‌ها را گوشزد می‌نماید و خطاب به بدخواهان و دشمنان پرخاش می‌کند و یا از شیوه عمل برخی منتقدان - به‌حق - ابراز ناخشنودی و گله می‌کند و... اما در مجموع، در مباحث کتاب نکات آموزنده‌ای می‌توان نشان داد.